

معماری مناطق غربی مازندران و بخش‌های شرقی گیلان در عصر آهن

رحمت عباس نژاد سرستی

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران
r.abbasnejad@umz.ac.ir

رقیه مجتبابی ثبوتی

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه مازندران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۲/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۷/۱۲
(از ص ۶۷ تا ۸۰)

چکیده

از مهم‌ترین پرسش‌های مطرح در باستان‌شناسی دو استان هم‌جوار گیلان و مازندران، چگونگی استقرارهای دوران پیش از تاریخ و به‌ویژه عصر آهن در منطقه است. وجود یا عدم وجود معماری دائمی، نوع معماری و نیز مصالح به‌کار رفته در آن‌ها، با وجود اهمیتی که در بازسازی ساز و کارهای معیشتی دارند، در مطالعات باستان‌شناسی گیلان و مازندران به‌طور روش‌مند مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. این در حالی است که عمده فعالیت‌های باستان‌شناختی پیش از تاریخی در این دو استان بر روی گورستان‌های عصر آهن (سده‌های ۸-۱۵ ق. م.) متمرکز شده است. نبود پرسش‌های بنیادی و بررسی‌های روش‌مند در باستان‌شناسی منطقه باعث شده که تاکنون چگونگی استقرار و نوع معماری مورد استفاده مردمان این دوره بر ما پوشیده باقی بماند. این پرسش‌ها مطرح است که پراکندگی محوطه‌ها و الگوی استقرار در این دوره چه بوده است؟ چه عامل و یا عواملی باعث شده تا شواهد اندکی از سکونت‌گاه‌های این دوره مورد بررسی و شناسایی قرار بگیرد؟ در صورت وجود الگوی استقراری یک‌جانشینی، نقشه‌ها و فضاهای معماری به چه صورت بوده است؟ و یا این که از چه مصالحی در ساخت سکونت‌گاه‌های موقت یا دائمی استفاده می‌شده است؟ در این مقاله تلاش شده تا با روشی کتابخانه‌ای و با مراجعه به آثار منتشر شده از فعالیت‌های میدانی انجام شده در محدوده جغرافیایی جنوب‌شرقی گیلان و غرب مازندران، طرحی ابتدایی از ویژگی‌های معماری عصر آهن در این دو استان ارائه شود. بر اساس شواهد و قرائن موجود، ساکنان پیش از تاریخ این نواحی دارای معماری نیمه یک‌جانشینی و در برخی موارد یک‌جانشینی کامل بوده‌اند. سازه‌های سنگی در زوایا در بخش‌های شالوده و دیوارهای بناها با روش چفت و بست کامل ساخته می‌شدند. تنورها و اجاق‌هایی در درون فضاهای زیستی تعبیه می‌شده است. این شواهد، در برخی محوطه‌ها بافت متراکمی از سازه‌های معماری مربوط به استقرار یک‌جانشینی را در دامنه‌های شمالی رشته کوه‌های البرز در بازه‌ی زمانی ۱۵۰۰ تا ۷۵۰ ق. م. نشان می‌دهند.

کلیدواژه‌گان: عصر آهن، معماری، گیلان، مازندران.

مقدمه

تا یک دهه پیش عموم باستان‌شناسانی که در حوزه جغرافیایی نوار شمالی رشته کوه البرز در استان‌های گیلان و مازندران به فعالیت علمی و پژوهشی می‌پرداختند، فرهنگ عصر آهن (۱۵۰۰-۷۵۰ ق.م.) منطقه را فاقد آثار معماری یک‌جانشینی معرفی می‌کردند؛ اگرچه پیش‌گامانی چون عزت‌الله نگهبان پیش از این به وجود آثار معماری در نخستین محوطه‌های کاوش‌شده عصر آهن گیلان اشاره داشته‌اند (نگهبان، ۱۳۷۸: ۵۲)؛ بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که اقوام مزبور دارای مسکنی که از نقشه و سازه‌های مشخص برخوردار باشند نبوده است. به همین دلیل، باستان‌شناسان معتقد بودند که اینان به‌طور چادرنشینی روزگار می‌گذراندند. عمده فعالیت‌های باستان‌شناختی انجام شده در این منطقه در دوره پیش از تاریخ به‌ویژه در عصر آهن بر کاوش گورستان‌ها متمرکز بوده است. کاوش‌های تپه مارلیک گیلان در دهه ۱۳۴۰ هـ.ش، منجر به کشف آثار زرین و سیمین ارزش‌مندی شد (نگهبان، ۱۳۷۸). عمده کاوش‌های باستان‌شناسی در این منطقه، در بخش رودبار و به‌ویژه دو سوی سفیدرود متمرکز شده بود؛ به‌طوری که هنوز بخش‌های وسیعی از این استان در جبهه شرقی و به‌ویژه شمال‌غرب آن بکر و دست‌نخورده باقی مانده است (خلعتبری، ۱۳۹۲: ۱۷۰). در استان مازندران نیز به‌نظر می‌رسد، جز در چند مورد از جمله کاوش‌های تپه باستانی "کلار" کلاردشت و "گوهر تپه" بهشهر و گمانه‌زنی و کاوش‌های انجام گرفته در محوطه "قعه‌کش" شهرستان آمل، کاوش‌های وسیع باستان‌شناختی در دوره پیش از تاریخ، به‌طور عام و عصر آهن، به‌طور خاص صورت نگرفته است (موسوی کوهپیر و عباس‌نژاد، ۱۳۸۵؛ موسوی کوهپیر و حیدریان، ۱۳۹۱؛ ماهفروزی، ۱۳۸۶؛ ماهفروزی و کنراد پیلر، ۱۳۹۱؛ امیرکلایی، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸). آنچه در دست است، اطلاعات خام و پراکنده و فاقد انسجام است که طبعاً قادر به شفاف‌سازی سیمای باستان‌شناختی پیش از تاریخ منطقه نیست.

روش تحقیق

بالتفات به تشابهات دو بخش شرق گیلان و غرب مازندران از نظر ویژگی‌های باستان‌شناختی، مردم‌شناختی و معماری بومی، نگارندگان مرزهای ناشی از جغرافیای سیاسی را نادیده گرفته و این نواحی را در قالب یک محدوده طبیعی-فرهنگی مورد بررسی قرار داده‌اند؛ از این‌رو، مقاله حاضر سعی بر آن دارد تا با مراجعه به آثار منتشرشده به بررسی وضعیت معماری شرق گیلان و غرب مازندران، که خود قادر به شکل‌دهی یک حوزه فرهنگی است، بپردازد. بدیهی است که به‌دلیل نوپا بودن این پژوهش‌ها، بسیاری از گزارش‌های منتشرشده، بسیار ساده و گاه در حد یک چکیده مقاله و یا گزارش کوتاه بوده که طبعاً در آن به تفصیل، به ویژگی آثار مکشوفه پرداخته نشده است؛ به‌علاوه، بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده هنوز در مرحله مقدماتی آماده‌سازی گزارش به سر برده و آثار منتشر شده‌ای که بتوان بدان ارجاع داد، موجود نیست. بنابراین، با توجه به تمامی این کاستی‌ها وضعیت بررسی و شناسایی معماری عصر آهن و احیاناً کاوش در محوطه‌های مذکور در دو استان گیلان و مازندران به اجمال و به‌طور جداگانه شرح داده شده و در نهایت به جمع‌بندی پرداخته خواهد شد.

معماری عصر آهن در استان گیلان

نخستین کاوش‌ها در استان گیلان در فاصله سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۴۰ ه.ش. در گورستان مارلیک توسط عزت‌الله نگهبان انجام گرفت؛ وی در ضمن کاوش گورستان مارلیک این فرصت را به‌دست آورد تا در "پیلقلعه" که یکی از تپه‌های اقماری گورستان مارلیک به‌شمار می‌رود نیز به گمانه‌زنی و لایه‌نگاری بپردازد (تصویر ۱). حاصل کار، شناسایی و کشف بخشی از معماری اقوام مزبور بود؛ بنا به نظر وی، این تپه در چندین دوران تمدنی مورد استفاده و سکونت بوده است. این آثار شامل سه لایه ساختمانی اصلی می‌شد (نگهبان، ۱۳۷۶: ۲۳۸)؛ وی برای تعیین لایه‌های باستانی در دامنه غربی، ترانشه‌ای در تمام طول شیب تپه ایجاد نمود. در این ترانشه آزمایشی پله‌ای، ۱۷ لایه باستانی از روی خاک بکر تا مرتفع‌ترین قسمت تپه شناسایی گردید (خلعتبری، ۱۳۹۲: ۱۷۳). لایه‌های اول تا هفتم، دورانی که قدمت آن از اوایل هزاره دوم ق.م. تا اواخر آن را دربر می‌گیرد، معرفی می‌نمود. لایه‌های هشتم تا سیزدهم شامل دورانی از اواخر هزاره دوم تا اوایل هزاره اول ق.م. بود که هم‌زمان با قدمت قبرستان سلاطین در تپه مارلیک بود. لایه‌های چهاردهم و پانزدهم که بقایای طبقه دوم معماری را معرفی می‌کرد، تاریخی در حدفاصل مابین تمدن مارلیک و تمدن ساسانی را دربرداشتند. لایه شانزدهم، آخرین طبقه معماری بر روی این تپه را معرفی می‌نمود و شکل یک قلعه دفاعی بود که بنا بر شواهد و آثار به‌دست‌آمده در آن

تصویر ۱: تپه پیلقلعه و ترانشه غربی آن (نگهبان، ۱۳۷۸: ۴۹۶، تصویر ۱۷). ▼



متعلق به دوره ساسانی بوده و قدمت آن در فاصله سده‌های دوم تا ششم م. قرار داشت (تصویر ۲). لایه هفدهم معرف دورانی بود که این قلعه ساسانی در دوران اسلامی مرمت گردیده و مورد استفاده قرار می‌گرفته است. تاریخ استفاده از این قلعه بنا بر بررسی قطعات سفالین به دست آمده تا حدود قرون پنجم هجری/یازدهم م. ادامه داشته است (نگهبان، ۱۳۷۸: ۵۲)؛ اگرچه گمانه‌زنی و لایه‌نگاری تپه پیلانقلعه توفیق آن را داشت، تا برای اولین بار در تاریخ باستان‌شناسی استان گیلان آثاری از معماری عصر آهن را شناسایی و معرفی نماید؛ اما به دلیل عدم تداوم کار گمانه‌زنی و نهایتاً کاوش این محوطه کلیدی، نتوانست پلانی شفاف و روشن از ساختار معماری شناخته شده در تپه مزبور ارائه دهد (خلعتبری، همان‌جا).

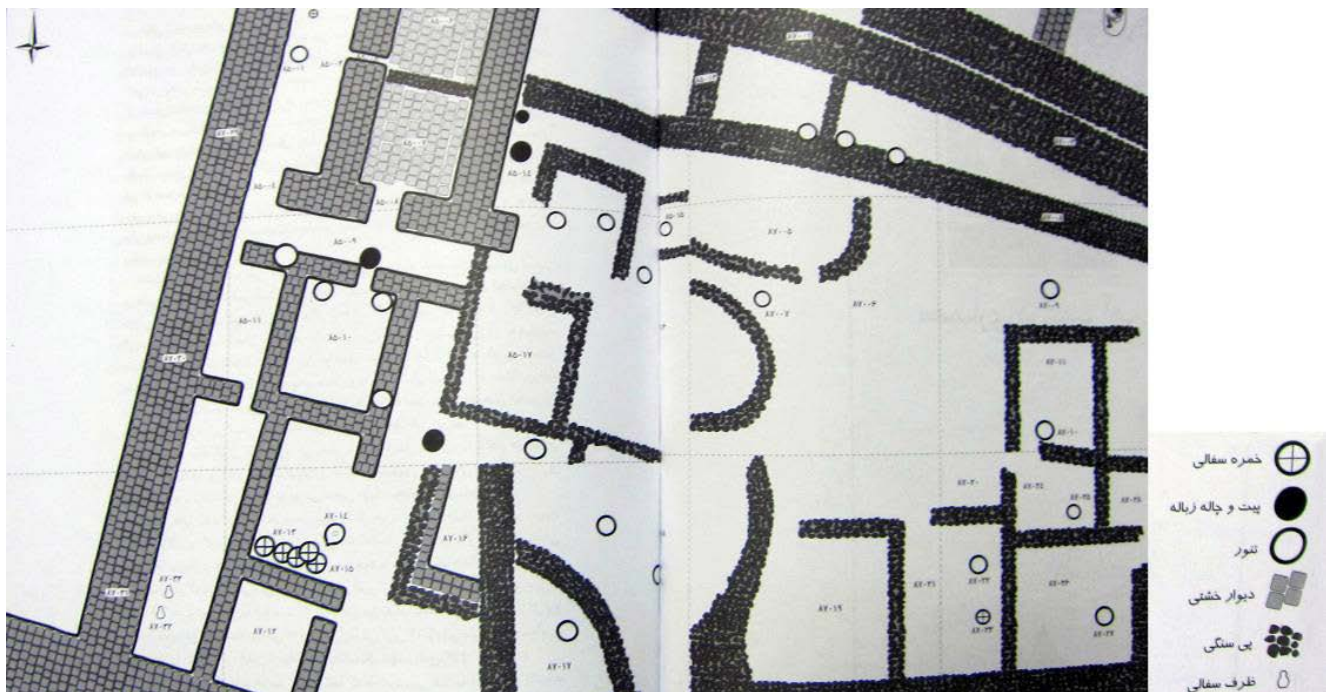
تصویر ۲: دیوار دفاعی در پیلانقلعه (نگهبان، ۱۳۷۶: ۲۴۰).



هیأت مشترک ایران و دانشگاه توکیو که در فاصله سال‌های ۱۹۶۵-۱۹۵۶ م. در منطقه دیلمان به کارهای مطالعاتی اشتغال داشت، توانست محوطه‌های باستانی: قلعه کوتی، خرم‌رود، حسنی محله، لاسلوکان و نوروز محله را کاوش و به آثاری از عصر آهن تا دوره ساسانی دست‌یابد. کاوش‌های باستان‌شناسی قلعه کوتی منجر به شناسایی آثار تیرک‌های چوبی ذغال شده به قطر ۱۲ سانتی‌متر شد که به احتمال زیاد در ساختمان خانه‌ها در اوایل عصر آهن مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ این الوارها در اثر آتش‌سوزی مهیبی ذغال شده و به زمین فرو ریخته بود (Sono & Fokai, 1968: 30).

علی حاکمی در گزارش کوتاهی از کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه باستانی "کلورز" در غرب سفیدرود، به این مطلب اشاره دارد که در ضمن کاوش در گورستان گنج‌پر محوطه باستانی کلورز به آثاری از سکونت و معماری دست یافته است که دارای پی سنگی و سقفی چوبی بوده است؛ زیرا قطعاتی از چوب پوسیده‌ای که بر کف اتاق فرو افتاده بود، شناسایی شد (Hakemi, 1968: 35). این تپه دوباره در سال ۱۳۸۵ هـ.ش به‌منظور دستیابی به ساختار معماری دوره‌های مختلف توسط خلعتبری مورد کاوش قرار گرفت. در لایه‌نگاری تپه کلورز در مجموع سه دوره تمدنی با ۱۵ لایه شناسایی و شواهد معماری در تمام لایه‌ها دیده شد. در قدیمی‌ترین لایه‌های استقرار یعنی لایه‌های ۱۵ و ۱۴ شاهد توده فراوانی از سنگ رودخانه‌ای به‌صورت دیوار و یا آوار و همچنین صفه‌سازی شده وجود داشت. بخش‌هایی از تأسیسات فوقانی که از چینه و خشت شکل گرفته بر روی این لایه و خاک بکر ریخته شده که احتمالاً در اثر فرسایش لایه‌های فوقانی فروریخته است. با توجه به‌وجود نوع سفال‌های سیاه و براق و خاکستری با نقوش داغ‌دار، این لایه مربوط به آغازین سده‌های هزاره اول ق.م. (عصر آهن II) است. تداوم این دوره در بخش فوقانی به آثاری منتهی شد که عصر آهن III و دوره هخامنشی را در برمی‌گرفت. در این دوره آجرهایی به ابعاد ۷-۳۵×۳۵ سانتی‌متر به‌دست آمد که بیان‌گر وجود سازه‌ای در آن بودند؛ همچنین وجود کوره، کف سوخته و کشف هواکش همگی دلالت بر وجود تأسیساتی داشت که به احتمال جهت تهیه سفال و یا آجر برای سازه‌های معماری تپه از آن بهره‌برداری می‌شد. در این دو دوره دیوارهایی از خشت نیز به‌دست آمد که ابعاد خشت‌ها به همان اندازه آجرها بوده است (تصویر ۳). جدیدترین دوره استقرار بر روی تپه مزبور نیز شامل آثاری از کف، اجاق، دیوار سنگی و خشت است که متعلق به عصر پارت و ساسانی است (خلعتبری، ۱۳۹۲: ۱۷۶).

تصویر ۳: پلان آثار مکشوفه از کاوش در تپه کلورز رستم آباد رودبار (خلعتبری، ۱۳۹۲: ۱۶۸-۱۶۹).



عبدالحسین شهیدزاده در سال ۱۳۴۸ هـ.ش، در ضمن حفاری در محوطه گورستانی "کنج‌پر" و "داغ‌داغان" در گزارش کوتاه خود به این اشاره دارد که به آثاری از معماری دست یافته است (شهیدزاده، ۱۳۴۸)؛ همچنین خلعتبری در کاوش محوطه باستانی "مریان" تالش در شمال غرب استان گیلان به چند اجاق با دیوار سنگی دست‌یافت که در بردارنده توده‌ای از خاکستر و زغال بوده؛ پیرامون این اجاق‌ها کفی کوبیده شده در ابعاد مختلف داشت که این ویژگی در کاوش گورستان باستانی "تول" نیز دیده شد. بنا به گفته خلعتبری، این آثار به مکان‌هایی با استقرار کوتاه مدت و فصلی تعلق داشته که دارای ساختاری ساده و شاید با پوششی از شاخ و برگ درختان بوده است که با معیشت اقوامی که دارای زندگی شبانی و اقتصادی مبتنی بر تولیدات دامی بودند، مطابقت دارد. کاوش‌های باستان‌شناسی منطقه تالش نیز نتوانست پلان شفاف و روشنی را از معماری عصر آهن گیلان به تصویر بکشد (خلعتبری، ۱۳۹۲: ۱۷۸-۱۷۵).

پژوهش‌های باستان‌شناختی هیأت مشترک ایران و ژاپن در کرانه‌های غربی سپیدرود با لایه‌نگاری در تپه جلالیه که با هدف روشن کردن وضعیت معماری پیش از اسلام گیلان انجام گرفت، موفق به شناسایی چهار لایه و دو دوره فرهنگی گردید که در هر چهار لایه بقایای معماری نمایان شد. بر اساس لایه‌نگاری انجام‌یافته بقایای معماری سنگی با مصالح سنگ‌های رودخانه‌ای است که بیش‌تر در پی‌ها استفاده شده و این سنگ‌ها از دامنه تپه به بالای آن منتقل شده‌اند؛ همچنین بر پایه شواهد موجود، به‌ویژه یافته‌های سفالی حاصل از گمانه‌زنی و طبقه‌بندی گونه‌های سفالی یادشده و نیز معماری، سه دوره فرهنگی شامل عصر آهن (اواخر آهن II و آهن III) و دوره‌های اشکانی و ساسانی در این محوطه مطرح است. آزمایش کربن ۱۴ بر روی چهار نمونه برداشت‌شده از قدیمی‌ترین لایه، قدمت اولین استقرار محوطه را به سده‌های ۷ و ۸ ق.م. منتسب می‌کند (فهیمی، ۱۳۸۱ الف و ب؛ نوکنده و فهیمی، ۱۳۸۲؛ Fahimi & Yamauchi, 2005; Fahimi, 2004 & 2005; Otso et al, 2005).

در سال ۱۳۹۱ هـ.ش. نیز در نتیجه کاوش ۴ ترانشه در محوطه گورستانی "سیاه سو" در ۶۲ کیلومتر جنوب غربی شهرستان رودسر، ۱۶ گور و یک دیوار سنگی به‌دست آمده است (رامین و اکبری، ۱۳۹۱: ۲۰۱). کاوش‌ها در محوطه باستانی "کافرستان یسن" واقع در بخش دیلمان و شهرستان سیاهکل و به فاصله ۸۱ کیلومتری مرکز شهرستان، با هدف مطالعه بر روی آثار معماری محوطه‌های مسکونی و نیز مستندسازی گورستان‌های عصر آهن منطقه منجر به شناسایی چندین رشته دیوار سنگی در راستای شمالی- جنوبی و شرقی- غربی شد که فضاهای چهارگوشی را به‌وجود می‌آوردند. این ساختارها از سنگ‌های بزرگ (تخته سنگ) به همراه ملات گل ساخته شده و در کنج‌ها با چفت و بست کامل به یک‌دیگر می‌پیوستند (تصویر ۴). در بعضی از آن‌ها آثار خشت خام در معماری نیز مشاهده می‌شود. این سازه‌های معماری در چند دوره متوالی از عصر آهن تا دوره تاریخی مورد استفاده بوده‌اند. معماری به‌دست‌آمده در کافرستان یسن به‌طور کلی، مبتنی بر کاربرد سنگ در شالوده و دیوارهاست؛ در کنار دیوارها تنورها و اجاق‌هایی وجود داشته که سوخت آن‌ها چوب بوده است. فضاهای مسکونی در این محوطه به‌صورت بافت درهم

تئیده و متراکمی از فضاهای چهارگوش در ابعاد مختلف است (جهانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۹).



▲ تصویر ۴: معماری سنگی در محوطه نسکوه‌چال کافرستان یسن (جهانی، ۱۳۹۱ الف: ۱۲).

در اثر احداث جاده در محوطه باستانی "مطلاکوه" در فاصله ۶۷ کیلومتر بخش رانکوه شهرستان املش، بقایایی از معماری گور و پی بناها در برش‌های ایجاد شده در کنار جاده نمایان شد؛ ولی جهانی با کاوش در این محوطه موفق به شناسایی آثار دیوارهای سنگی با سنگ‌های معدنی و رودخانه‌ای و ملات گل گردید (تصویر ۵).

سازه‌ها در راستای شرقی- غربی و شمالی-جنوبی به عرض یک متر و طول دو متر بوده است. وی بقایای معماری مطالاکوه را به دو دسته تقسیم نموده است: نخست، آثار معماری منظم و برجایی که بیش‌تر در ضلع جنوبی و شرقی محوطه دیده شده و شامل دیواره، پی‌های سنگی، اجاق‌ها و آثار سوختگی است و دیگری، آثار معماری در دامنه جنوبی محوطه که در مقایسه با گروه اول، بسیار ساده و ابتدایی است و شامل دیوارهایی از قلوه‌سنگ‌های کوچک و به‌صورت خشک‌چین و نامنظم بوده و پی برخی از سازه‌ها از سنگ‌های رودخانه‌ای است. او این دسته دوم را متعلق به قدیمی‌ترین استقرار محوطه می‌داند. در نزدیکی این فضاها گورهایی کشف شده که ظاهراً مصالح به‌کار رفته در معماری آن‌ها به‌صورت بخشی از دیوار منازل مسکونی در آمده است؛ بدین معنا که برخی از معماری استقرار پس از تدفین‌ها شکل ایجاد شده‌اند.

جهانی با مقایسه آثار مطلاکوه با دستاورد کاوش‌ها در دیگر مناطق گیلان هم‌چون: کلورز، قلعه کوتی، لاسلوکان، تول تالش، پیلا قلعه و چره که در آن‌ها آثار معماری مسکونی آشکار شده است، به شباهت‌های ساختاری میان آن‌ها اشاره می‌نماید. کشف دو مرحله معماری در کاوش‌های سال ۱۳۸۴ هم. در روستای چُره و در اطراف تپه باستانی قلعه کول به شرح ذیل جالب است (جهانی، ۱۳۹۱: ۲۶۱، ۲۶۵ و ۲۶۹).

۱. گورستانی با شواهد دیواری سنگی به همراه تنوری کوچک و آثار حرارت به جا مانده در گوشه دیوار، پی سنگی با پهنای هفتاد سانتی‌متر و علایم دودگرفتگی و حرارت بر دیواره داخلی.

۲. بقایای معماری آشکار شده در قلعه شهر بیجار (پلنگ کول)، "براگور" و "قلعه دوراهان" شیرکوه با استفاده از سنگ‌های بادبر و قله‌های در اجزای دیوارها و گاه خشت و آجر با ملات ساروج.

۳. آثار اندک معماری در نالوس از توابع روستای جوبن، تپه "کشکجان سندس" و محوطه باستانی "سه پستانک خورگام" و محوطه باستانی روستای چهپیش.

۴. شناسایی آثار سوختگی به ضخامت ۱۵ سانتی‌متر مربوط به لایه استقرار عصر آهن و غار چپک روستای نوده توسط باستان‌شناسان هیأت مشترک ایران و کره جنوبی، نشان‌گر وجود آثار معماری عصر آهن در بسیاری از بخش‌های منطقه گیلان است.

هیأت مشترک ایران و کره جنوبی به سرپرستی محمدرضا باقریان، یک بررسی میدانی را در دره‌ها و ارتفاعات حدفاصل درفک و ساماموس، بلندترین کوه‌های گیلان، را هدایت کردند که طی آن شهرستان‌های سیاهکل، املش و رودسر مورد بررسی قرار گرفتند. در این بررسی‌ها ۵۱ غار و پناه‌گاه سنگی و تراس مورد بازدید و شناسایی قرار گرفت که داده‌های حاصله به‌ویژه قطعات سفال نشان می‌دهد که اکثر این محوطه‌ها در عصر آهن مورد استفاده قرار گرفته‌اند (باقریان، ۱۳۹۱: ۸۷-۸۶).

معماری عصر آهن در مازندران

کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناختی مربوط به عصر آهن در استان مازندران به نسبت میزان مطالعاتی که در استان هم‌جوار، گیلان، انجام شده بسیار اندک است؛ شاید معروف‌ترین محوطه عصر آهن مازندران گوهر تپه بهشهر باشد. در این تپه که از محوطه‌های مهم عصر مفرغ و آهن II و III در شرق مازندران است، بقایایی از معماری با پی‌های بزرگ سنگی و وجود حصار در اطراف منطقه مسکونی گزارش شده که اطلاعات کمی از چگونگی معماری و قدمت آن‌ها ارائه شده است (ماه‌روزی و پیلر، ۱۳۹۱: ۳۸۹).

بقایای معماری عصر آهن در این محل، شامل دیوارهایی با عرض کم بود که داخل آن‌ها چوب‌های گرد برای استحکام بیشتر قرار داده‌اند. بقایای دایره‌شکل جای این چوب‌ها به تعداد ۱۶ مورد و در ردیف‌هایی منظم مشاهده شده است. در بخش جنوبی این معماری و در گمانه‌ای دیگر نیز، بقایای اجاق، کف و آوار سقف به همراه دیوارهای قطور چینه‌ای و جای مدور چوب‌ها به دست

آمد. دیوارهای قطور چینه‌ای به هم‌راه دیوارک‌های تقسیم‌کننده با گل و چوب از دیگر بقایای مربوط به عصر آهن در این محوطه است. بقایای معماری با خشت خام نیز در این محل مشخص شده است. گاهی جهت استحکام بناها، سنگ‌های نامنظم و نسبتاً بزرگ به‌عنوان پشتیبان در بیرون این دیوارهای خشتی قرار داده‌اند (ماهفروزی، ۱۳۸۶؛ Piller and Mahfrouzi, 2009).

ابراهیم امیرکلایی، طی گمانه‌زنی در محوطه "گل لاک کِنسی" در حد فاصل شهرستان آمل به تهران نشانه‌هایی از وجود استقرار عصر آهن در این محوطه را گزارش کرده است (امیرکلایی، ۱۳۹۱ الف: ۷۸)؛ وی هم‌چنین به بقایای مشابهی در محوطه "لامیزده" در حد فاصل شهرستان محمودآباد به آمل اشاره کرده که شامل یافته‌هایی نظیر: سفال، جوش کوره، سردوک، سنگ پاشنه در و نظایر آن می‌شود (امیرکلایی، ۱۳۹۱ ب: ۷۹). مجتبی صفری نیز بر اساس بررسی محوطه‌های روستای ابوالحسن کلای بابل در حوزه مرکزی مازندران شواهدی استقراری از دوران پیش از تاریخی مفرغ و آهن را گزارش می‌کند (صفری، ۱۳۹۱: ۲۹۵)، اما از محوطه‌های یادشده که بگذریم، در راستای موضوع مقاله حاضر باید به یکی از محوطه‌های مهم در غرب مازندران اشاره گردد؛ مهم‌ترین محوطه کاوش‌شده در غرب این استان، تپه کلار، کلاردشت است. این تپه طی دو فصل مورد لایه‌نگاری و کاوش به‌منظور تعیین حریم قرار گرفته است. با توجه به محدود بودن مقیاس حفاری ترانسه‌ها و گمانه‌های تعیین حریم در فصل اول حفاری، آثار معماری با پلان مشخصی به‌دست نیامد؛ با وجود این، می‌توان بقایای معماری عصر آهن این محوطه را به ۳ دسته زیر تقسیم نمود (موسوی کوهپیر و عباس‌نژاد سرستی، ۱۳۸۵).

۱- **کف‌های کوبیده گلی، گچی و شنی:** کف‌های کوبیده گچی با ضخامتی متغیر بین ۲ تا ۵ سانتی‌متر، کف اندود گلی و کف شنی به هم‌راه قلوه‌سنگ از بقایای این محوطه است.

۲- **آوارهای خشتی، سنگی و آجری:** در بعضی از گمانه‌های کاوش دیوارهای سنگی، آجری و خشتی که به‌صورت آوار درآمده‌اند، مشاهده شده است.

۳- **پی دیوارهای منظم سنگ‌چین:** سومین دسته از آثار معماری که در ترانسه‌ها و گمانه‌ها به وفور و در لایه‌های مختلف به‌دست آمد، دیوارهای سنگ‌چین با ملاط گل و قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای و بزرگ بوده است.

در فصل دوم کاوش‌های تپه کلار جهت دستیابی به اطلاعات بیش‌تر در مورد لایه‌های بالایی عصر مفرغ و لایه‌های منتسب به عصر آهن در جایی که سطح گمانه لایه‌نگاری I به سطح تخریب شده مرکز تپه رسید، ترانسه‌ای به ابعاد ۱۰×۱۰ متر در سطح محوطه ایجاد شد؛ با توجه به تخریب ایجادشده توسط لودر در سطح تپه، تنها قسمتی از مرکز این ترانسه با جهات شمال شرقی - جنوب غربی حاوی لایه‌های برجا بود. از جمله یافته‌های این ترانسه می‌توان به ساختارهای معماری، بقایای تخریب شده یک کوره، مهر استوانه‌ای و انواع پیکرک‌های سفالی اشاره کرد (موسوی کوهپیر و حیدریان، ۱۳۹۱: ۴۱۹).

از طرفی بررسی‌های باستان‌شناسی انجام‌شده در استان مازندران که به‌منظور ترسیم نقشه کلی باستان‌شناسی استان در شهرستان‌های مختلف آن صورت پذیرفت، بسیار کوتاه به‌وجود استقرارهای عصر آهن در بخش‌های غربی استان

در مناطقی چون کجور نوشهر و رامسر اشاره دارند. به احتمال، اغلب محوطه‌های شناسایی شده، گورستان‌های مراحل مختلف عصر آهن بوده‌اند و اطلاعات خاصی از معماری این دوره ارائه نمی‌دهند (قمری فتیده و دیگران، ۱۳۸۹؛ هاشمی زرج‌آباد و دیگران، ۱۳۸۹).

نتیجه‌گیری

بر پایه آن چه که از نظر گذشت، اطلاعات موجود درباره الگوی استقرار و چگونگی سازه‌های معماری عصر آهن منطقه در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. پژوهش‌های کمی با هدف کشف بقایای معماری این دوره در محدوده‌های جغرافیایی مورد بحث این مقاله، صورت گرفته است؛ با وجود این، به نظر می‌رسد در صورت گزارش دقیق و کامل اطلاعات حاصله توسط پژوهش‌گران محوطه‌های باستانی مورد نظر و پردازش آن‌ها، امکان درکی نسبی از ساختارها و نظام سکونت‌گاهی عصر آهن در بخش‌های غربی گیلان و مناطق شرقی مازندران فراهم می‌گردد. مطالعه اطلاعات حاصل از همین بررسی‌ها و کاوش‌های اندک در این دو بخش نشان می‌دهد که از چوب، چینه و کاه‌گل به‌عنوان مهم‌ترین مصالح ساختمانی در این دوره‌ها استفاده شده است. امروزه، در معماری بومی منطقه نیز شاهد این وضعیت هستیم. رد و نشانی از جای تیرک‌های چوبی در کف‌های حفاری شده و هم‌چنین در لای دیوارهای چینه‌ای، خانه‌های کاه‌گلی و لارده‌ای بومی گیلان و مازندران را در ذهن تداعی می‌نماید. در تحلیل الگوی استقراری عصر آهن منطقه مورد بحث، بهره‌گیری از مؤلفه‌های معماری بومی در طرح پرسش‌های بنیادین و مبتنی بر رویکردهای قوم‌باستان‌شناسی بسیار ضرورت دارد. شواهدی ناچیز از معماری عصر آهن در لایه‌های باستانی برخی محوطه‌ها گردآوری شده است که توجه دقیق به آن‌ها می‌تواند ما را در بازسازی نسبی معماری این دوره کمک نماید. تاکنون، بیش‌ترین تمرکز بر روی کاوش گورستان‌های عصر آهن صورت پذیرفته است. از این پس، راهبردهای پژوهشی باستان‌شناسان در این منطقه باید، تمرکز بیش‌تری بر روی کاوش محوطه‌های منتسب به این دوره و بر مبنای پرسش‌های میان‌رشته‌ای ناشی از سه رویکرد مردم‌نگاری، باستان‌شناسی و معماری بومی پیدا کند.

پیش از این خاطر نشان گردید که تنها محوطه شاخص کاوش شده در غرب مازندران، تپه کلار، کلاردشت است. کشف چندین کف اعم از: گچی، شنی، کوبیده شده و اندوده‌های گلی و هم‌چنین، بقایای دیوارهای سنگی و آوارهای سنگی، گلی و چینه‌ای در این محل فرصتی فراهم می‌کند که در صورت ایجاد هم‌گونی‌هایی از معماری بومی منطقه و بهره‌گیری از آن‌ها در تفسیر و تحلیل بافت‌های مکشوفه تا حدودی ما را در بازسازی معماری عصر آهن یاری می‌نماید، اما در استان گیلان وضع به گونه‌ای دیگر است؛ اطلاعات پایه از معماری عصر آهن در دسترس است. شاخص‌ترین محوطه‌های این دوره، تپه پیلاقعه و کلورز هستند. در شمال غرب استان نیز کاوش‌های خلعتبری در تالش، تا حدودی سیمای معماری عصر آهن گیلان را مشخص نموده است؛ اما در شرق و در جایی که حوزه مورد بحث این مقاله محسوب می‌شود، دو محوطه استقراری کافرستان یسن (نسکوه‌چال) و

مطالاکوه، شواهد خوبی از استقرار دایم عصر آهن ارائه می‌دهند؛ البته، کاوش‌های انجام‌شده در قبرستان سیاه‌سو در یکی از شرقی‌ترین شهرستان‌های استان گیلان، رودسر، منجر به شناسایی یک رشته دیوار سنگی در نزدیکی قبور عصر آهن شده است؛ اگرچه، ارتباط گاه‌نگاری دیوار و گورها مشخص نشده، ولی به‌عنوان یک پدیده معماری عصر آهن جای تأمل جدی دارد.

بنابر آنچه که از نظر گذشت، ویژگی‌های معماری عصر آهن شرق گیلان به شرح ذیل می‌باشد.

۱. استفاده از مصالح بوم آورد منطقه در معماری شامل سنگ‌های بزرگ معدنی و رودخانه‌ای، قلوه سنگ‌ها و نیز چوب به ویژه برای پوشش سقف؛
۲. ساخت پی دیوارها از سنگ به‌منظور اجتناب از رطوبت موجود در منطقه؛
۳. استفاده از تیرک‌های چوبی در، لای دیوارهای گاه‌گلی با توجه به آنچه که در معماری سنتی و زنده منطقه شاهد هستیم؛
۴. استفاده از خشت به‌عنوان مصالح فرعی در کنار مصالح اصلی سنگ در بدنه‌ی بعضی از دیوارها، مانند آنچه که در محوطه نسکوه‌چال کافرستان‌یسن مشاهده شده است؛
۵. به‌کارگیری برخی از شاخصه‌های معماری دایمی استفاده از روش چفت و بست کامل در زوایای دیوارها؛
۶. استفاده از ستون‌های چوبی به‌منظور برپا نگه‌داشتن سقف چوبی فضاهای مسکونی؛
۷. تعبیه یک اجاق یا تنور کوچک در کنار دیوارها در بیشتر فضاهای محصور درون دیوارهای سنگی؛
۸. استفاده از روش سوزاندن و کوبیدن گل برای ایجاد کف استقراری به‌منظور کاهش انتقال رطوبت به فضای زیستی که وجود لایه‌های خاکستر و خاک حرارت‌دیده در کف محل‌های استقراری محوطه‌ها گواهی بر این موضوع است.
۹. استفاده از غارها و پناه‌گاه‌های صخره‌ای برای اسکان موقت توسط برخی گروه‌های جمعیتی نظیر شبانان.

تأکید دوباره این نکته خالی از فایده نیست که باستان‌شناسی عصر آهن منطقه مورد مطالعه‌ی مقاله‌ی حاضر، نیاز به نقطه عطفی در روش‌مندی و هدف‌مندی و همچنین، اتخاذ راهبردهای بنیادین و طرح پرسش‌های نوین دارد. در این نقطه عطف که در واقع نوعی بازنگری اساسی محسوب می‌گردد، لحاظ‌کردن رویکردهای قوم‌باستان‌شناسی در زمینه معماری، توأم نمودن دقت در بازشناسی و تفسیر شواهد اندک معماری محوطه‌های عصر آهن در تطبیق با معماری بومی منطقه و لایه‌نگاری دقیق و گاه‌نگاری مطلق محوطه‌ها ضرورتی جدی و علمی به حساب می‌آید.

تشکر و قدردانی

در نگارش این مقاله و دسترسی به منابع مورد نیاز از کمک‌های شایان آقایان: ولی جهانی، محمدرضا خلعتبری، محمدرضا میری و محمد قمری فتیحه بهره‌مند شده‌ایم که بر خود لازم می‌دانیم، مراتب قدردانی و سپاس خود را نسبت به آنان ابراز نماییم.

منابع

- امیرکلایی، ابراهیم، ۱۳۸۷، «گزارش گمانه‌زنی به‌منظور تعیین عرصه و حریم محوطه قلعه‌کش دابودشت شهرستان آمل»، (منتشر نشده).
- امیرکلایی، ابراهیم، ۱۳۸۸، «گزارش دومین فصل کاوش محوطه قلعه‌کش دابودشت شهرستان آمل»، (منتشر نشده).
- امیرکلایی، ابراهیم، ۱۳۹۱ الف، «گزارش گمانه‌زنی به‌منظور تعیین عرصه و حریم محوطه گل لاک کنسی آمل، مازندران»، چکیده مقاله‌های یازدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران، موزه ملی، ص ۷۸.
- امیرکلایی، ابراهیم، ۱۳۹۱ ب، «گمانه‌زنی به‌منظور تعیین عرصه و حریم محوطه لامیزده محمودآباد مازندران»، چکیده مقاله‌های یازدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران، موزه ملی، ص ۷۹.
- باقریان، محمدرضا، ۱۳۹۱، «بررسی‌های باستان‌شناسی هیأت مشترک ایران و کره‌جنوبی دوران سنگ در ایران»، چکیده مقاله‌های یازدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران، موزه ملی، صص: ۸۷-۸۶.
- جهانی، ولی، ۱۳۹۱ الف، «کاوش‌های باستان‌شناسی یسن (دیلمان)»، چاپ اول، رشت، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان.
- جهانی، ولی، ۱۳۹۱ ب، «مطالعه نخستین محوطه استقرار شناسایی شده عصر آهن در املش»، نامورنامه؛ مقاله‌هایی در پاسداشت یاد مسعود آذرنوش، به کوشش: حمید فهیمی و کریم علیزاده، تهران، انتشارات نگاه، صص ۲۷۰-۲۵۹.
- جهانی، ولی؛ همرنگ، بهروز؛ مجتبی‌ثبوتی، رقیه و کوهی، مجید، ۱۳۹۱، «کاوش در محوطه باستانی کافرستان یسن»، چکیده مقاله‌های یازدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران، موزه ملی، ص ۱۲۹.
- خلعتبری، محمدرضا، ۱۳۹۲، «گیلان در عصر آهن»، چاپ اول، تهران، نشر گوی.
- رامین، شهرام و اکبری، مسعود، ۱۳۹۱، «گورستان عصر آهن سیاه‌سو، رودسر، گیلان»، چکیده مقاله‌های یازدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران، موزه ملی، ص ۲۰۱.
- شهیدزاده، عبدالحسین، ۱۳۴۸، گزارش مقدماتی هیأت کاوش‌های علمی باستان‌شناسی گیلان، گزارش شماره ۱۸ استان گیلان، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران (منتشر نشده).
- صفری، مجتبی، ۱۳۹۱، «بررسی باستان‌شناسی روستای ابوالحسن کلای شهرستان بابل مازندران»، چکیده مقاله‌های یازدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران، موزه ملی، ص ۲۹۵.
- فهیمی، حمید، ۱۳۸۱ الف، «فرهنگ عصر آهن در کرانه‌های جنوب‌غربی دریای خزر»، تهران، نشر سمیرا.
- فهیمی، حمید، ۱۳۸۱ ب، «حوزه فرهنگی املش در عصر آهن به روایت کاوش‌های باستان‌شناختی»، فرهنگ گیلان، شماره ۱۳ و ۱۴، رشت، اداره کل ارشاد اسلامی گیلان، صص ۱۰۹-۱۱۳.
- قمری‌فتیحه، محمد؛ قربانی مقانکی، مهرداد و ادیب‌زاده، مرتضی، ۱۳۸۹،

«گزارش مقدماتی بررسی باستان‌شناسی شهرستان رامسر»، مجموعه و خلاصه مقالات همایش ملی چشم‌انداز باستان‌شناسی شمال کشور در دهه آینده، جلد اول، نوشهر، مؤسسه آموزش عالی مارلیک، صص ۱۶۳-۱۵۷.

- ماهفروزی، علی، ۱۳۸۶. «باستان‌شناسی شرق مازندران با تکیه بر کاوش‌های گوهر تپه»، گزارش‌های باستان‌شناسی «۷»، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

- ماهفروزی، علی و کنراد پیلر، کریستین، ۱۳۹۱: «گوهر تپه»، چکیده مقاله‌های یازدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران، موزه ملی، صص ۳۸.

- موسوی کوهپر، سیدمهدی و عباس‌نژاد سرستی، رحمت، ۱۳۸۵، «گزارش نخستین فصل کاوش باستان‌شناختی تپه کلار، کلاردشت»، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مازندران (منتشر نشده).

- موسوی کوهپر، سید مهدی و محمود حیدریان، ۱۳۹۱، «گزارش فصل دوم کاوش لایه‌نگاری تپه کلار کلاردشت، مازندران»، چکیده مقاله‌های یازدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران، موزه ملی، صص ۴۱۹ و ۴۲۰.

- نگهبان، عزت‌الله، ۱۳۷۶، «مروری بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران»، تهران، انتشارات میراث فرهنگی کشور.

- نگهبان، عزت‌الله، ۱۳۷۸، «حفاری‌های مارلیک»، جلد اول، چاپ اول، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).

- نوکنده، جبرئیل و فهیمی، حمید، ۱۳۸۲، «پژوهش‌های باستان‌شناختی هیأت مشترک ایران و ژاپن در کرانه‌های غربی سپید رود گیلان ۸۱-۱۳۸۰»، گزارش‌های باستان‌شناسی ۲، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی، اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی، صص ۴۳-۲۷.

- هاشمی زرج‌آباد، حسن؛ موسوی کوهپر، سید مهدی، حیدریان، محمود و عباس‌نژاد سرستی، رحمت، ۱۳۸۹، «گزارش اجمالی بررسی باستان‌شناسی منطقه کجور نوشهر»، مجموعه و خلاصه مقالات همایش ملی چشم‌انداز باستان‌شناسی شمال کشور در دهه آینده، جلد اول، نوشهر، مؤسسه آموزش عالی مارلیک، صص ۱۹۸-۱۸۳.

- Fahimi, H, 2004, "Outline of the 2nd Season of the General Survey of the West Bank of the Sepidrud", In: Preliminary Report of the Iran Japan Joint Archaeological Expedition to Guilan; 2nd Season 2002, Tokyo, ICHTO & MECCJ, Pp: 11-47.

- Fahimi, H, 2005, "Observation on the Distribution of Iron Age Sites on the Sefidrud River West Bank", In: Preliminary Report of the Iran Japan Joint Archaeological Expedition to Guilan; 4th Season, Tokyo, ICHTO & MECCJ, Pp: 44-49.

- Fahimi, H & Yamauchi.k, 2005, "The Fourth Season of Archaeological Survey on the West Bank of the Sefidrud; from the Sorkhan Valley to the River Qezel-Owzan", In: Preliminary Report of the Iran Japan Joint Archaeological Expedition to Guilan; 4th Season, Tokyo, ICHTO & MECCJ, Pp:44-49.

- Hakemi, Ali.1968, "Kaluraz et La Civilization", Murdes Archeolo-

gie-Vivante, Vol.1-Tehran.

- Otsu, T, Nokandeh, J and Adachi, T, 2005, "Excavation Research of Tappe Jalalie", In: Preliminary Report of the Iran Japan Joint Archaeological Expedition to Guilan; 2nd Season 2002, Tokyo, ICHTO & MECCJ, Pp: 48-83.

- Piller .Christian & Ali Mahfroofzi, 2009. First Preliminary Report on the joint Iranian-German Excavations at Gohar Tappe, Mazandaran, Iran, Archäologische Mitteilungen aus Iran und Turan 41.

- Sono, T and Fukai, Sh, 1968, "Dailaman III, the Expedition at Hassani Mahalle and Ghale Kuti, 1964"; Tokyo, The University of Tokyo.

the foundation, walls and roofs;

2 - Stones have used in flooring, foundations and probably in walls and also in oven and heart borders;

3 - It seems that unbaked bricks were used in wall occasionally;

4 - Fully fastening angles and making the rectangular spaces was known to these ancient people;

5 - The usage of woody piers probably was prevalent bearing the roofs.

6 - It seems that the roofs were made of wood or other unstable materials.

7- Also we can see traces of ovens and hearts near interior or exterior sides of walls of living space.

8 - Burnt and trampled layers associated with these structures were used for flooring the living rooms and beyond as well. All of these probably shows intermeshed context of sedentary settlements in northern slopes of Alborz Mountains in the period between 1500 -750 B.C. In other hand there are evidences of temporary settlements in caves and rock shelters.

Keywords: Iron Age, Architecture, Gilan, Mazandaran.

The Architecture of Western Mazandaran and Eastern Gilan During the Iron Age

Rahmat Abbas Nezhad Sarasti

Assistant Professor, Department of Archaeology Mazandaran University
r.abbasnejad@umz.ac.ir

Roqayyeh Mojtabaei Sobouti

Ph.D. Candidate, Archaeology Mazandaran University

Received: 2014/05/15 - Accepted: 2014/10/04

Abstract

One of the most important and unanswered questions in archaeological researches of two neighboring provinces of Guilan and Mazandaran is; what kind of settlement patterns are there in the prehistory, especially in the Iron Age of the region; Presence or absence of permanent architecture and the kind of the architecture and the applied material, despite their importance reconstructing the livelihood systems, have had no considerations in the archaeological studies of Guilan and Mazandaran and have not been studied yet systematically. Meanwhile, the main prehistoric archaeological activities at two provinces are mainly focused on the Iron Age graveyards (1500-750 B.C.). The lack of fundamental questions and methodological considerations in archaeological researches lead to the settlement patterns and architecture in this era remain obscured. However there are many questions seems to need more attentions in the archaeological investigations. Some of these inquiries are listed below:

How is the distribution of sites and settlement pattern in this area during prehistoric time? What factor(s) led to identify little evidence of such settlements at this part of Iran? Are there any sedentary settlements in northern slopes of Alborz Mountains over prehistoric era? If there is, what are its architectural elements? And what materials were used in the construction of temporary or permanent architectures?

In this paper we tried to establish an initial sketch of Iron Age architecture attributions in the region restricted from west parts of Mazandaran to southeastern parts of Guilan. Based on available evidences, we can show that the prehistoric inhabitants of these areas have had semi-sedentary and occasionally fully-sedentary architecture.

To sum up, the attribution of the Iron Age architecture in this region includes:

1 - The use of local materials such as cobbles and wood for building